

چهل حدیث اخلاقی از پیامبر گرامی اسلام

1- فضیلت دانش طلبی

« مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ... وَ فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ النُّجُومِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ. »:

هر که راهی رود که در آن دانشی جوید، خداوند او را به راهی که به سوی بهشت است ببرد، و برتری عالم بر عابد، مانند برتری ماه در شب چهارده، بر دیگر ستارگان است.

2- دین یابی ایرانیان

« لَوْ كَانَ الدِّينُ عِنْدَ الثَّرِيَاءِ لَذَهَبَ بِهِ رَجُلٌ مِّنْ فَارَسَ - أَوْ قَالَ - مِنْ أَبْنَاءِ فَارَسَ حَتَّى يَتَنَاوَلَهُ. »:

اگر دین به ستاره ثریا رسد، هر آینه مردی از سرزمین پارس - یا این که فرموده از فرزندان فارس - به آن دست خواهند یازید.

3- ایمان خواهی ایرانیان

« إِذَا نَزَلَتْ عَلَيْهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) سُورَةُ الْجُمُعَةِ، فَلَمَّا قَرَأَ: وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ. قَالَ رَجُلٌ مِّنْ هَؤُلَاءِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَلَمْ يُرَاجِعْهُ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم)، حَتَّى سَأَلَهُ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا. قَالَ وَفِينَا سَلْمَانُ الْفَارَسِيُّ قَالَ فَوَضَعَ النَّبِيُّ يَدَهُ عَلَى سَلْمَانَ ثُمَّ قَالَ: لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ عِنْدَ الثَّرِيَاءِ لَنَالَهُ رِجَالٌ مِّنْ هَؤُلَاءِ. »:

وقتی که سوره جمعه بر پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) نازل گردید و آن حضرت آیه و آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ را خواند.

مردی گفت: ای پیامبر خدا! مراد این آیه چه کسانی است؟ رسول خدا به او چیزی نگفت تا این که آن شخص یک بار، دوبار، یا سه بار سؤال کرد.

راوی می گوید: سلمان فارسی در میان ما بود که پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) دستش را روی دوش او نهاد، سپس فرمود: اگر ایمان به ستاره ثریا برسد، هر آینه مردانی از سرزمین این مرد به آن دست خواهند یافت.

4- مشمولان شفاعت

« أَرْبَعَةٌ أَنَا الشَّفِيعُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ: 1- مُعِينُ أَهْلِ بَيْتِي. »

2- وَ الْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجُهُمْ عِنْدَ مَا اضْطَرُّوا إِلَيْهِ.

3- وَ الْمَحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ.

4- وَ الدَّافِعُ عَنْهُمْ بِيَدِهِ.»:

چهار دسته اند که من، روز قیامت، شفیع آنها هستم: 1- یاری دهنده اهل بیتم، 2- برآورنده حاجات اهل بیتم به هنگام اضطرار و ناچاری، 3- دوستدار اهل بیتم به قلب و زبان، 4- و دفاع کننده از اهل بیتم با دست و عمل.

5- ملاک پذیرش اعمال

« لَا يُقْبَلُ قَوْلٌ إِلَّا بِعَمَلٍ وَ لَا يُقْبَلُ قَوْلٌ وَ لَا عَمَلٌ إِلَّا بِنِيَّةٍ وَ لَا يُقْبَلُ قَوْلٌ وَ لَا عَمَلٌ إِلَّا بِإِصَابَةِ السُّنَّةِ.»:

نزد خداوند سخنی پذیرفته نمی‌شود، مگر آن که همراه با عمل باشد، و سخن و عملی پذیرفته نمی‌شود، مگر آن که همراه با نیت خالص باشد، و سخن و عمل و نیتی پذیرفته نمی‌شود، مگر آن که مطابق سنت باشد.

6- صفات بهشتی

« أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ تَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّارُ غَدًا؟ قِيلَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ.

فَقَالَ: الْهَيِّنُ الْقَرِيبُ اللَّيِّنُ السَّهْلُ.»:

آیا کسی را که فردای قیامت، آتش بر او حرام است به شما معرفی نکند؟ گفتند: آری، ای پیامبر خدا. فرمود: کسی که متین، خونگرم، نرمخو و آسانگیر باشد.

7- نشانه های ستمکار

« عَلَامَةُ الظَّالِمِ أَرْبَعَةٌ: يَظْلِمُ مَنْ قَوْفَهُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَ يَمْلِكُ مَنْ دُونَهُ بِالْغَلْبَةِ، وَ يُبْغِضُ الْحَقَّ وَ يُظْهِرُ الظُّلْمَ.»:

نشانه ظالم چهار چیز است: 1- با نافرمانی به مافوقش ستم می‌کند، 2- به زیردستش با غلبه فرمانروایی می‌کند، 3- حق را دشمن می‌دارد، 4- و ستم را آشکار می‌کند.

8- شعبه های علوم دین

« إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهَوُ فَضْلٌ.»:

همانا علم دین سه چیز است، و غیر از اینها فضل است: 1- آیه محکمه (که منظور از آن علم اصول عقائد است)، 2- فریضه عادلانه (که منظور از آن علم اخلاق است)، 3- و سنت قائمه (که منظور از آن علم احکام شریعت است).

9- فتوای نااهل

« مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ... فَقَدْ هَلَكَ وَ أَهْلَكَ. »:

کسی که بدون صلاحیت علمی برای مردم فتوا دهد، خود را هلاک ساخته و دیگران را نیز به هلاکت انداخته است.

10- روزه واقعی

« الْأَصَائِمُ فِي عِبَادَةٍ وَ إِنْ كَانَ فِي فِرَاشِهِ مَا لَمْ يَغْتَبِ مُسْلِمًا. »:

روزه دار - مادامی که غیبت مسلمانی را نکرده باشد - همواره در عبادت است، اگر چه در رختخواب خود باشد.

11- فضیلت رمضان

« شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُوَ شَهْرٌ يُضَاعَفُ فِيهِ الْحَسَنَاتُ وَ يَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتُ وَ هُوَ شَهْرُ الْبَرَكَاتِ وَ هُوَ شَهْرُ الْأَنْبَاءِ وَ هُوَ شَهْرُ التَّوْبَةِ وَ هُوَ شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَ هُوَ شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَ الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ. أَلَا فَاجْتَنِبُوا فِيهِ كُلَّ حَرَامٍ وَ أَكْثِرُوا فِيهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ... »:

ماه رمضان، ماه خداوند عزیز و جلیل است، و آن ماهی است که در آن نیکیها دوچندان و بدیها محو می‌شود، ماه برکت و ماه بازگشت به خدا و توبه از گناه و ماه آمرزش و ماه آزادی از آتش دوزخ و کامیابی به بهشت است. آگاه باشید! در آن ماه از هر حرامی بپرهیزید و قرآن را زیاد بخوانید.

12- نشانه های شکبیا

« عَلَامَةُ الصَّابِرِ فِي ثَلَاثٍ: أَوَّلُهَا أَنْ لَا يَكْسَلَ، وَ الثَّانِيَةُ أَنْ لَا يَضْجِرَ، وَ الثَّلَاثَةُ أَنْ لَا يَشْكُوَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ. لِأَنَّهُ إِذَا كَسَلَ فَقَدْ ضَيَعَ الْحَقَّ، وَ إِذَا ضَجِرَ لَمْ يُؤَدِّ الشُّكْرَ، وَ إِذَا شَكَى مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ عَصَاهُ. »:

علامت صابر در سه چیز است: اول: آن که کسل نشود، دوم: آن که آزرده خاطر نگردد، سوم: آن که از خداوند عزوجل شکوه نکند، زیرا وقتی که کسل شود، حق را ضایع می‌کند، و چون آزرده خاطر گردد شکر را به جا نمی‌آورد، و چون از پروردگارش شکایت کند در واقع او را نافرمانی نموده است.

13- بدترین جهنمی

« إِنَّ أَهْلَ النَّارِ لَيَتَأَدُّونَ مِنْ رِيحِ الْعَالِمِ التَّارِكِ لِعِلْمِهِ وَ إِنْ أَشَدَّ أَهْلُ النَّارِ نِدَامَةً وَ حَسْرَةً رَجُلٌ دَعَا عَبْدًا إِلَى اللَّهِ فَاسْتَجَابَ لَهُ وَ قَبِلَ مِنْهُ فَاطَاعَ اللَّهَ فَأَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ أَدْخَلَ الدَّاعِيَ النَّارَ بِتَرْكِهِ عِلْمَهُ. »:

همانا اهل جهنم از بوی گند عالمی که به علمش عمل نکرده رنج می‌برند، و از اهل دوزخ پشیمانی و حسرت آن کس سختتر است که در دنیا بنده ای را به سوی خدا خوانده و او پذیرفته و خدا را اطاعت کرده و خداوند او را به بهشت در آورده، ولی خود دعوت کننده را به سبب عمل نکردن به علمش به دوزخ انداخته است.

14- عالمان دنیا طلب

«أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ (عَلَيْهِ السَّلَام) لَا تَجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ عَالِمًا مَقْتُونًا بِالْدُّنْيَا فَيَصُدَّكَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي فَإِنَّ أَوْلِيكَ قُطَاعَ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُرِيدِينَ، إِنْ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزَعَ خَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ»:

خداوند به داود(علیه السلام) وحی فرمود که: میان من و خودت، عالم فریفته دنیا را واسطه قرار مده که تو را از راه دوستی‌ام بگرداند، زیرا که آنان، راهزنانِ بندگانِ جویایِ مناند، همانا کمتر کاری که با ایشان کنم این است که شیرینی مناجاتم را از دلشان برکنم.

15- نتیجه یقین

«لَوْ كُنْتُمْ تَوْفِقُونَ بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَ شَرِّهَا كَمَا تَوْفِقُونَ بِالْدُّنْيَا لَأَثَرْتُمْ طَلَبَ الْآخِرَةِ»:

اگر شما مردم یقین به خیر و شر آخرت می‌داشتید، همان طور که یقین به دنیا دارید، البته در آن صورت، آخرت را انتخاب می‌کردید.

16- نخستین پرسش های قیامت

«لَا تَزُولُ قَدَمًا أَلْعَبْدَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَ عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، وَ عَنْ عِلْمِهِ كَيْفَ عَمِلَ بِهِ، وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ، وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»:

هیچ بنده ای در روز قیامت قدم از قدم بر نمی‌دارد، تا از این چهار چیز از او پرسیده شود: 1- از عمرش که در چه راهی آن را فانی نموده، 2- و از جوانی‌اش که در چه کاری فرسوده اش ساخته، 3- و از مالش که از کجا به دست آورده و در چه راهی صرف نموده، 4- و از دوستی ما اهل بیت.

17- محکم کاری

«وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ»:

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله وسلم) وقتی که با دقت قبر سعد بن معاذ را پوشاند فرمود: می‌دانم که قبر سرانجام فرو می‌ریزد و نظم آن بهم می‌خورد، ولی خداوند بندهای را دوست می‌دارد که چون به کاری پردازد،

آن را محکم و استوار انجام دهد.

18- مرگ، بیداری بزرگ

«الْأَناسُ نِيَامٌ إِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا.»:

مردم در خواباند وقتی که بمیرند، بیدار می‌شوند.

19- ثواب اعمال کارساز

«سَبْعَةُ أَسْبَابٍ يُكْسَبُ لِلْعَبْدِ ثَوَابُهَا بَعْدَ وَفَاتِهِ: رَجُلٌ غَرَسَ نَخْلًا أَوْ حَفَرَ بئرًا أَوْ أُجْرِيَ نَهْرًا أَوْ بَنَى مَسْجِدًا أَوْ كَتَبَ مُصْحَفًا أَوْ وَرَّثَ عِلْمًا أَوْ خَلَّفَ وَوَلَدًا صَالِحًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ.»:

هفت چیز است که اگر کسی یکی از آنها را انجام داده باشد، پس از مرگش پاداش آن هفت چیز به او می‌رسد: 1- کسی که نخلی را نشانده باشد (درخت مثمری را غرس کرده باشد)، 2- یا چاهی را کنده باشد، 3- یا نهری را جاری ساخته باشد، 4- یا مسجدی را بنا نموده باشد، 5- یا قرآنی را نوشته باشد، 6- یا علمی را از خود بر جای نهاده باشد، 7- یا فرزند صالحی را باقی گذاشته باشد که برای او استغفار نماید.

20- سعادت‌مندان

«طُوبَى لِمَنْ مَنَعَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ إِخْوَانِهِ طُوبَى لِمَنْ أَنْفَقَ الْقَصْدَ وَبَدَلَ الْفَضْلَ وَ أَمْسَكَ قَوْلَهُ عَنِ الْفُضُولِ وَ قَبِيحِ الْفِعْلِ.»:

خوشا به حال کسی که عیبش او را از عیوب برادران مؤمنش باز دارد، خوشا به حال کسی که در خرج کردن میانه روی کند و زیاده از خرج را بیخشد و از سخنان زائد و زشت خودداری ورزد.

21- دوستی آل محمد

«مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا.»

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ.

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِبًا.

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلَ الْإِيمَانِ.

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَأْيُوسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْمَعْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ»:

کسی که با دوستی آل محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) بمیرد، شهید مرده است.

آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) بمیرد، آمرزیده مرده است.

آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) بمیرد، توبه کار مرده است.

آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) بمیرد، باایمان کامل مرده است.

آگاه باشید کسی که با دشمنی آل محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) بمیرد، در حالی به صحرای قیامت می‌آید که بر پیشانی‌اش نوشته شده: ناامید از رحمت خدا.

آگاه باشید کسی که با دشمنی آل محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) بمیرد، بوی بهشت به وی نمی‌رسد.

22- سزای زن و مرد همسر آزار

«أَيُّمَا امْرَأَةٍ أَدَّتْ رَوْحَهَا بِلِسَانِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صَرْفًا وَلَا عَدْلًا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُرْضِيَهُ وَ إِنْ صَامَتْ نَهَارَهَا وَ قَامَتْ لَيْلَهَا وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ يَرِدُ النَّارَ وَ كَذَلِكَ الرَّجُلُ إِذَا كَانَ لَهَا ظَالِمًا»:

هر زنی که شوهر خود را با زبان بیازارد، خداوند هیچ جبران و عوض و نیکی از کارش را نمی‌پذیرد تا او را راضی کند، اگرچه روزش را روزه بگیرد و شبش را به عبادت بگذراند، و چنین زنی اوّل کسی است که داخل جهنّم خواهد شد، و همچنین است اگر مرد به زنش ستم روا دارد.

23- سزای زن ناسازگار با شوهر

«أَيُّمَا امْرَأَةٍ لَمْ تَرْفُقْ بِرَوْحِهَا وَ حَمَلَتْهُ عَلَى مَا لَا يَفْعَدِرُ عَلَيْهِ وَ مَا لَا يُطِيقُ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا حَسَنَةٌ وَ تَلَقَى اللَّهُ وَ هُوَ عَلَيْهَا غَضَبَانُ»:

هر زنی که با شوهر خود مدارا ننماید و او را به کاری وادار سازد که قدرت و طاقت آن را ندارد، از او کار نیکی قبول نمی‌شود و در روز قیامت، خدا را در حالتی ملاقات خواهد کرد که بر وی خشمگین باشد.

24- نخستین رسیدگی در قیامت

«أَوَّلُ مَا يُقْضَى يَوْمَ الْقِيَمَةِ الدَّمَاءُ»:

اولین کاری که در روز قیامت به آن رسیدگی می‌شود، خون‌های به ناحق ریخته شده است.

25- بی رحمی و ترحم

«إِطْلَعْتُ لَيْلَةً أُسْرَى عَلَى النَّارِ فَرَأَيْتُ امْرَأَةً تُعَذِّبُ فَسَأَلْتُ عَنْهَا فَقِيلَ إِنَّهَا رَبَطَتْ هِرَّةً وَ لَمْ تُطْعِمْهَا وَ لَمْ تَسْقِهَا وَ لَمْ تَدَعُهَا تَأْكُلْ مِنْ خَشَاشِ الْأَرْضِ حَتَّى مَاتَتْ فَعَذَّبَهَا بِذَلِكَ وَ اِطْلَعْتُ عَلَى الْجَنَّةِ فَرَأَيْتُ امْرَأَةً مُؤَمِّسَةً يَعْنِي زَانِيَةً فَسَأَلْتُ عَنْهَا فَقِيلَ إِنَّهَا مَرَّتْ بِكَلْبٍ يَلْتَهُ مِنْ الْعَطَشِ فَأَرْسَلَتْ إِزَارَهَا فِي بُئْرِ فَعَصْرَتْهُ فِي حَلْفِهِ حَتَّى رَوَى فَغَفَرَ اللَّهُ لَهَا»:

در شب معراج از دوزخ آگاهی یافتم، زنی را دیدم که در عذاب است. از گناهش سؤال کردم. پاسخ داده شد که او گربه ای را محکم بست، در حالی که نه به آن حیوان خوراکی داد و نه آبی نوشاند و آزادش هم نکرد تا خود در روی زمین چیزی را بیابد و بخورد و با این حال ماند تا مُرد.

خداوند این زن را به خاطر آن گناه، عذاب کرده است. و از بهشت آگاهی یافتم، زن آلوده دامنی را دیدم و از وضعیت سؤال کردم. پاسخ داده شد این زن به سگی گذر کرد، در حالی که از عطش، زبانش را از دهان بیرون آورده بود، او پارچه پیرهنش را در چاهی فرو برد، پس آن پارچه را در دهان سگ چلاند تا آن حیوان سیراب شد، خداوند گناه آن زن را به خاطر این کار بخشید.

26- عدم پذیرش اعمال ناخالص

«إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ نَادَى مُنَادٌ يَسْمَعُ أَهْلُ الْجَمْعِ أَيْنَ الَّذِينَ كَانُوا يَعْبُدُونَ النَّاسَ قَوْمُوا خُذُوا أَجُورَكُمْ مِمَّنْ عَمِلْتُمْ لَهُ فَإِنِّي لَا أَقْبَلُ عَمَلًا خَالِطَةً شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَهْلِهَا»:

چون روز قیامت فرا رسد، ندا دهنده ای ندا دهد که همه مردم می‌شنوند، گوید: کجايند آنان که مردم را می‌پرستیدند؟ برخیزید و پاداشتان را از کسی که برای او کار کردید بگیرید! چون من عملی را که چیزی از دنیا و اهل دنیا با آن مخلوط شده باشد، قبول نمی‌کنم.

27- دنیا طلبی، عنصر حبط اعمال

«لَيَجِيئنَ أَقْوَامٌ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ أَعْمَالُهُمْ كَجِبَالٍ تَهَامَةٌ فَيُؤْمَرُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مُصَلِّينَ؟ قَالَ نَعَمْ يُصَلُّونَ وَ يَصُومُونَ وَ يَأْخُذُونَ هُنَا مِنَ اللَّيْلِ فَإِذَا عَرَضَ لَهُمْ شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا وَثَبُوا عَلَيْهِ»:

در روز قیامت گروهی را برای محاسبه می‌آورند که اعمال نیک آنان مانند کوه های تهامه بر روی هم انباشته است! اما فرمان می‌رسد که به آتش برده شوند! صحابه گفتند: یا رسول الله! آیا اینان نماز می‌خواندند؟ فرمود: بلی نماز می‌خواندند و روزه می‌گرفتند و قسمتی از شب را در عبادت به سر می‌بردند! اما همین که چیزی از دنیا به آنها عرضه می‌شد، پرش و جهش می‌کردند تا خود را به آن برسانند!

28- با هر کهای با اوستی

«الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ»:

آدمی (در قیامت) با کسی است که او را دوست دارد.

29- دوستی اهل بیت

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَخِيَّ حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مَمَاتِي وَ يَسْكُنَ جَنَّةَ عَدْنٍ غَرَسَهَا رَبِّي فَلْيُؤَالِ عَلِيًّا مِنْ بَعْدِي وَ يُؤَالِ وَلِيَّهُ وَ يُقْتَدِ بِالْأَيِّمَةِ مِنْبَعْدِي فَإِنَّهُمْ عِترَتِي وَ خَلِقُوا مِنْ طِينَتِي رُزِقُوا فَهَمًّا وَ عِلْمًا وَ وِيلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ بِفَضْلِهِمْ مِنْ أُمَّتِي الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صِلَتِي لَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي»:

هر کس دوست داشته باشد که چون من زندگی کند و چون من بمیرد و در باغ بهشتی که پروردگارم پرورده جای بگیرد، باید بعد از من علی را و دوست او را دوست بدارد و به پیشوایان بعد از من اقتدا کند که آنان عترت من هستند و از طینتم آفریده شده‌اند و از درک و دانش برخوردار گردیده‌اند، و وای بر آن گروه از امت من که برتری آنان را انکار کنند و پیوندشان را با من قطع نمایند که خداوند شفاعت مرا شامل حال آنان نخواهد کرد.

30- ولایت علی (علیه السلام) شرط قبولی اعمال

«فَوَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ جَاءَ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِأَعْمَالٍ كَأَمْثَالِ الْجِبَالِ وَ لَمْ يَجِءْ بِوِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ لَأَكْبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي النَّارِ»:

سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخته، اگر یکی از شما در روز قیامت با اعمالی همانند کوه ها بیاید، اما فاقد ولایت و قبول حاکمیت علی بن ابیطالب باشد، خداوند او را به رو در آتش افکند.

31- پاداش مریض

«إِذَا مَرِضَ الْمُسْلِمُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ كَأَحْسَنِ مَا كَانَ يَعْمَلُ فِي صِحَّتِهِ وَ تَسَاقَطَتْ ذُنُوبُهُ كَمَا يَتَسَاقَطُ وَرَقُ الشَّجَرِ»:

وقتی که مسلمان، بیمار شود، خداوند همانند بهترین حسناتی که در حال سلامت انجام می‌داده در نامه عملش

می‌نویسد و گناهانش همچون برگ درخت فرو می‌ریزد

32- مسئولیت مسلمانی

«مَنْ أَصْبَحَ لَايَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي بِالْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»:

هر که صبح کند و به امور مسلمین همّت نکمارد، از آنها نیست؛ و هر کس بشنود که شخصی فریاد می‌زند: «ای مسلمان ها به فریادم برسید» ولی جوابش نگوید، مسلمان نیست.

33- پیوستگی ایرانیان با اهل بیت

«قَالَتِ الرَّسُلُ مِنَ الْفُرْسِ لِرَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) إِلَى مَنْ نَحْنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ أَنْتُمْ مِنَّا وَإِلَيْنَا

أَهْلَ الْبَيْتِ»:

فرستادگان باذان، پادشاه یمن، تحت الحمایه ایران که اصالتاً ایرانی بودند به حضور پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله

وسلم) آمدند و گفتند: ای رسول خدا: سرانجام ما فارسیان به نزد چه کسی خواهد بود؟ حضرت فرمود: شما

فارسیان از ما هستید و سرانجامتان به سوی ما و خاندان ما خواهد بود!

قال ابن هشام: قَبَّلَنِي عَنِ الزُّهْرِيِّ إِنَّهُ قَالَ: فَمِنْ نَمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: سَلْمَانُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ.

ابن هشام از قول زهری گوید: و از همین جا بود که پیامبر فرمود: سلمان از اهل بیت ماست.

34- خیانت بزرگ (تقدّم مفضول)

«مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ يَرَى أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْمُسْلِمِينَ»:

کسی که بر مسلمانان پیشی گیرد، در حالی که می‌داند در میان آنها کسی افضل و بهتر از او وجود دارد، چنین

کسی به خدا و رسولش و همه مسلمانان خیانت کرده است.

35- ارزش هدایت

«لَأَنْ يُهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ»:

پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) خطاب به حضرت علی (علیه السلام) فرمود: در صورتی که خداوند یک نفر را

به دست تو هدایت کند، برای تو از حکومت کردن بر آنچه آفتاب بر آن می‌تابد بهتر است.

36- مردمان آخر الزمان

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَخْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَ تَحْسُنُ فِيهِ عِلَائِيَّتُهُمْ طَمَعًا فِي الدُّنْيَا، لَا يُرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ رَبِّهِمْ، يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً لَا يُخَالِطُهُمْ خَوْفٌ، يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ فَيَدْعُونَهُ دَعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ!»:

زمانی بر مردم فرا می‌رسد که برای طمع در دنیا، باطنشان پلید و ظاهرشان زیبا باشد، علاقهای به آنچه نزد پروردگارش است نشان ندهند، دین آنها ریا شود و خوفی [از خدا] در دلشان آمیخته نشود، خداوند همه آنان را به عذاب سختی گرفتار کند، پس مانند دعای شخص غریق دعا کنند، ولی دعایشان را اجابت نکند!

37- راستگوترین صحابه

«مَا أَظَلَّتِ الْخَضْرَاءُ وَلَا أَقَلَّتِ الْغُبْرَاءُ مِنْ ذِي لَهْجَةٍ أَصْدَقُ مِنْ أَبِي ذَرٍّ.»:

آسمان سایه نینداخته و زمین دربرنگرفته، صاحب سخنی راستگوتر از ابوذر را.

38- پرسش از عالمان و همنشینی با فقیران

«سَأَلُوا الْعُلَمَاءَ وَ خَاطَبُوا الْحُكَمَاءَ وَ جَالَسُوا الْفُقَرَاءَ.»:

از دانشمندان پرسید و با فرزندان سخن بگویند و با فقیران بنشینید.

39- دستبوسی نه!

«هَذَا تَفَعُّلَةُ الْأَعَاجِمِ بِمُلُوكِهَا وَ لَسْتُ بِمَلِكٍ إِنَّمَا أَنَا رَجُلٌ مِنْكُمْ.»:

مردی خواست تا بر دست رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) بوسه زند، پیامبر دست خود را کشید و فرمود: این کاری است که عجم‌ها با پادشاهان خود می‌کنند و من شاه نیستم، من مردی از خودتان هستم.

40- مهربانی با هموعان

«مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ سَبْعَانَ وَ جَارُهُ جَائِعٌ، وَ مَا مِنْ أَهْلِ قَرْيَةٍ بَيْتٌ وَ فِيهِمْ جَائِعٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ.»:

به من ایمان نیاورده کسی که سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد، و اهل یک آبادی که شب را بگذرانند و در میان ایشان گرسنه ای باشد، خداوند در روز قیامت به آنها نظر رحمت نیفکند.

فهرست منابع و مآخذ (فصل سوم)

- 1- سایت اینترنتی.....www.monadi.com
- 2- سایت اینترنتی.....ww.payambrazam.com
- 3-